

عوامل و انگیزه‌های جامعه‌شناختی ورود طلاب به حوزه علمی

سارا شریعتی*

یاسر فروغی**

چکیده

حوزه علمی یکی از مهم‌ترین نهادهای دینی جامعه ایرانی است که برخی افراد با قصد و انگیزه طلبه‌شدن وارد آن می‌شوند. انتخاب طلبگی یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های جوانان با نتایج و پیامدهای دامنه‌داری است که، به‌رغم وجود دیگر امکان‌ها و انتخاب‌ها، برخی این مسیر را برای زندگی خود در پیش می‌گیرند، اما چه عواملی زمینه‌ساز اجتماعی تصمیم جوانان برای طلبه‌شدن را رقم می‌زند و آنان با کدام انگیزه‌ها به دنیای طلبگی روی می‌آورند؟ این مطالعه با روش کیفی و با استفاده از نظریه زمینه‌ای به جست‌وجوی پاسخ می‌پردازد. به همین منظور، با ۵۴ نفر از طلاب شاغل به تحصیل در حوزه علمی قم مصاحبه عمیق صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن‌اند که دو صورت از عوامل درونی و بیرونی در پیدایش انگیزه‌های افراد برای طلبه‌شدن مؤثرند؛ عوامل درونی به قرارگرفتن روحانیت در موضع گروه مرجع جوانان و بسترها و شبکه‌های معنوی‌ای اشاره دارد که آنان در آن زیست می‌کنند. عوامل بیرونی شامل زیست در شبکه روحانیت و همچنین افراد مذهبی تأثیرگذار است. در مجموع این عوامل چهار انگیزه مختلف را برای طلبه‌شدن در افراد پدید می‌آورند که شامل انگیزه‌های علمی، معنوی، اجتماعی، و ابزاری است تا در نهایت آنان تصمیم به طلبه‌شدن می‌گیرند. در نهایت، این یافته‌ها در قالب یک مدل نظری علی/ فرایندی ارائه شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: حوزه علمی، عوامل ورود به حوزه علمی، انگیزه‌های طلاب، نظریه زمینه‌ای.

* استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد پژوهش‌گری علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) yaser.foroughi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۴

۱. مقدمه

در دنیای امروز، جوانی دوران پرتلاطمی شده است. دورانی با آمیزه‌ای از آرمان‌ها، انتخاب‌ها، و مخاطره‌ها که سرنوشت افراد بدان‌ها گره خورده است. برخلاف جامعه سنتی گذشته، که افراد غالباً محصور طبقه و موقعیت اجتماعی خود بودند و در حصار تعیینات و تقدیرات زندگی اجتماعی خود از مسیرهای کانالیزه‌شده‌ای گذران عمر می‌کردند، در جامعه امروزی افراد از دایره انتخاب و گزینش‌گری بسیار بالاتری برخوردارند و، با درهم شکستن حصارهای اجتماعی و پا گذاردن روی مقدرات زندگی، می‌توانند هویت منحصر به فردی را برای خود بیافرینند؛ هر چند که همواره و همچنان موانع ساختاری را پیش روی خود می‌بینند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۱). مدرن‌شدن جامعه که در خود انبانی از تغییرات مهم از قبیل توسعه و دگرگونی جوامع روستایی و شهری، ظهور و افزایش بی‌نظیر فناوری، افزایش سطح آگاهی و تحصیلات در جامعه، تحول در ارتباطات و مبادله اطلاعات، پیوند به جامعه جهانی، و تغییرات سبک زندگی و صدها مورد دیگر را دارد، منجر به رشد فردیت و بالارفتن عاملیت افراد شده است. در این میان، دوره جوانی دوره گذاری است که جوانان در گیرودار انتخاب‌ها، تصمیم‌ها، و آرزوها طی می‌کنند. از میان انواع انتخاب‌ها و اهدافی که جوانان امروزی پیش روی خود دارند، تصمیم برای طلبه‌شدن و تحصیل در حوزه علمیه است؛ تصمیمی که با در نظر گرفتن وضعیت امروزی جامعه ما فراتر از انتخابی ساده می‌تواند باشد. تصمیم برای طلبه‌شدن و تحصیل در حوزه علمیه می‌تواند انواعی از وظایف و نقش‌ها را در پی داشته باشد. طلبه‌شدن به‌مثابه پذیرش نقش مبلغ و پاسدار دین، طلبه‌شدن به‌مثابه گزینش سبکی از زندگی، طلبه‌شدن به‌مثابه داشتن پوشش و لباسی متفاوت از سایر مردم، و در نهایت طلبه‌شدن به‌مثابه به عهده گرفتن انواعی از تکالیف، وظایف، و مسئولیت‌هایی که با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی امروز جامعه ما می‌تواند امری سترگ و مهم و در عین حال دشوار نیز باشد. بنابراین، انتخاب برای طلبه‌شدن می‌تواند فراتر از انتخابی ساده مانند رفتن به دانشگاه یا انتخاب یک شغل باشد و نتایج، تأثیرات، و تبعات آن حساسیت بسیار بالاتری را نسبت به بسیاری دیگر از انتخاب‌های فرد در زندگی داشته باشد.

حوزه علمیه یک سازمان مهم دینی در جامعه ایرانی است که از گذشته تا به امروز متولی امر احیای شریعت اسلامی، ترویج، و بازتولید آن بوده است. می‌توان با احتمال بالا حدس زد که، در گذشته و تاریخ حوزه علمیه، سیر و جریان گرایش افراد به آن و بازتولید

این گفتمان غالباً از شکلی وراثتی و تبارگونه برخوردار بوده است. همان گونه که، در سایر جایگاه‌ها و مشاغل اجتماعی غالباً امکان تحرک عمودی یا افقی و موازی افراد محدود بوده و دهقان‌زاده، دهقان و شاهزاده، شاه می‌شده است، طبیعتاً می‌شد انتظار داشت که ملأزاده سرانجام، ملأ شود. سرنوشت فرد این‌گونه رقم می‌خورد که خانواده و تبار وی عامل مهمی در قرارگرفتن او در همان منصب و شغل بود. از سوی دیگر، در آن روزها یکی از انگیزه‌های مهم برای قدم‌نهادن در کسوت روحانیت عالم‌شدن افراد بود. با توجه به این‌که هنوز نهاد آموزش و پرورش در میان ساختارهای جامعه شکل توده‌وار به خود نگرفته بود، فقط عده‌ای از افراد جامعه فرصت و مجال آموختن داشتند که آن هم عموماً در مکتب‌خانه‌های قدیمی و حوزه‌های علمیه گذشته امکان‌پذیر بود. بنابراین، روحانی از معدود اقشار باسواد جامعه بود. همین عالمیت جایگاه اجتماعی ممتازی در نزد سایر اقشار به وی بخشیده بود (ابوالحسنی، ۱۳۸۰: ۲۳)، اما با توجه به این‌که امروزه گفتمان جامعه تماماً سنتی رخت برکنده و لباس آن با زیور مدرن مزین شده است، آیا انگیزه‌ها و عوامل حوزوی شدن افراد مانند گذشته است یا این‌که شکل و سیاق دیگری به خود گرفته است؟ به عبارت دیگر، در شرایط امروزی کدام عوامل اجتماعی موجب می‌شود یک جوان در میان دیگر امکان‌ها و انتخاب‌های خود در زندگی تصمیم به طلبه‌شدن بگیرد؟ چه انگیزه‌هایی سبب می‌شود تا یک جوان در بین انواع محیط‌های اجتماعی سر از حوزه علمیه درآورد؟ در این تحقیق درصددیم، با پیش‌کشیدن دو پرسش فوق، به بررسی انگیزه‌ها و عواملی بپردازیم که موجب می‌شوند طلاب تصمیم به طلبه‌شدن و ورود به حوزه علمیه بگیرند، اما پیش از آن لازم است نگاهی به تاریخچه مطالعات جامعه‌شناختی انجام‌شده درباره طلاب و حوزه علمیه بیندازیم.

۲. طلاب و حوزه علمیه در آینه پژوهش

پژوهش‌های نسبتاً بسیاری درباره حوزه علمیه و روحانیت در ابعاد گوناگون انجام شده است. از نگاه تاریخی، سیاسی، اجتماعی، و آسیب‌شناسانه اکثر آثار و نوشته‌ها در این زمینه با نگاهی درون‌سازمانی به نگارش درآمده‌اند. از معروف‌ترین این آثار می‌توان به تأملات آسیب‌شناسانه بزرگانی چون امام خمینی (۱۳۷۴) و شهید مطهری (۱۳۶۸) درباره سازمان روحانیت اشاره کرد، اما اگر نگاهی به سابقه مطالعات درباره حوزه علمیه و نهاد روحانیت از منظر جامعه‌شناسانه آن داشته باشیم، تراکم اندکی را در این زمینه شاهدیم. پژوهش‌های

انجام شده و منتشر شده، از سنخ جامعه‌شناختی و انضمامی، درباره حوزه علمیه تقریباً اندک‌اند و شاید بتوان گفت کارهای درخور و مهم تاکنون از تعداد انگشتان دو دست فراتر نمی‌رود که به هیچ وجه درخور مقایسه با آثار غیر جامعه‌شناختی مرتبط با آن نیست.

در لابه‌لای بررسی‌های انجام گرفته در مورد پیشینه مطالعات جامعه‌شناختی طلاب، روحانیون، و حوزه علمیه چندین اثر قابل بررسی را می‌توان دید. تقریباً اولین کار تجربی از نوع جامعه‌شناختی در مورد روحانیت و حوزه علمیه به بخشی از کتاب *توسط و تضاد* اثر دکتر فرامرز رفیع‌پور (رفیع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۰۷) با عنوان «نظام و سازماندهی دین: روحانیت» مربوط به دهه هفتاد برمی‌گردد. آنچه در این بخش از کتاب وی آمده شامل دو قسمت است، که قسمت اول آن مطالعه میدانی در مدارس حوزه علمیه قم است و قسمت دوم شامل تحلیل‌های کلی است که محقق بدون ارجاع به داده‌های تجربی یا مطالعه میدانی انجام می‌دهد. پس از این مطالعه در سال ۱۳۸۱، ربانی خوراسگانی مطالعه‌ای را با عنوان «نقش مورد انتظار از روحانیت جامعه ایران» انجام داده است. در این تحقیق که بررسی موردی در دو حوزه علمیه قم و مشهد و با روش پیمایش انجام شده است محقق نهایتاً در نتیجه‌گیری خود به لزوم تحول و اصلاح در سازمان روحانیت در سه بخش «منبع درآمد»، «فرهنگ»، و «سیستم آموزشی» اشاره می‌کند (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۱). در سال ۱۳۸۸، مطالعه جامعه‌شناختی دیگری با عنوان «بررسی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت طلاب حوزه علمیه قم» انجام شده است. در این مطالعه مهم‌ترین اولویت‌های بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در میان طلاب سه عامل وسیله نقلیه، کیفیت مدیریت، و جایگاه اقتصادی شناخته شده‌اند که به ترتیب از سطح بازدارندگی بالاتری برخوردارند (ذاکری، ۱۳۸۸). پس از آن، در سال ۱۳۸۹، لباس روحانیت سوژه مطالعات جامعه‌شناختی قرار گرفت. اسلامی‌تنها در تحقیق خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانش‌آموختگان حوزوی به لباس روحانیت» این فرضیه را سنجید که «هر چه پذیرش نقش اجتماعی روحانیت کامل‌تر انجام شود، نگرش مثبت حوزویان به لباس بیشتر خواهد شد». بر اساس یافته‌های این مطالعه در آزمون فرضیه اصلی، این نتیجه به دست آمده است که بین پذیرش همه‌جانبه نقش روحانی و نگرش به پوشیدن لباس روحانیت رابطه مستقیم برقرار است. همان‌گونه که بین داشتن صلاحیت نقش، اشتغال فعال به نقش، وابستگی به نقش، و بهره‌مندی از امکانات نقش، به‌منزله متغیرهای مستقل، و نگرش به پوشیدن لباس روحانیت رابطه مستقیم برقرار است (اسلامی‌تنها، ۱۳۸۹). سرانجام در سال

۱۳۹۰، پژوهش دیگری با عنوان «بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه‌نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیة قم» انجام شد. سلیمانیه در این تحقیق، که در قلمرو «جامعه‌شناسی خرد» قرار می‌گیرد، به گونه‌شناسی دو نوع از طلاب «ستی» و «مدرن» پرداخت. وی در بخشی از تحقیق خود به انگیزه‌ها و مکانیسم‌های طلبه‌شدن نمونه‌های مورد بررسی‌اش اشاره‌ای می‌کند و تأثیر برخی از افراد مانند «دیگران مهم» و «گروه همالان» را در طلبه‌شدن افراد بازگو می‌کند. همچنین، پاره‌ای از مکانیسم‌های ورود افراد به حوزه علمیة مانند «پایگاه بسیج» و «هیئت‌های مذهبی» در کار او مطرح شده است (سلیمانیه، ۱۳۹۰).

با توجه به اهمیت بالای نهاد حوزه علمیة و نقش پررنگ آن در جامعه ایرانی، این تعداد کم از پژوهش‌های جامعه‌شناختی دلالت آشکاری بر فقر تحقیقات انجام‌شده از این منظر و سهم اندک آن‌ها در ادبیات جامعه‌شناختی دارد که گواه بر ضرورت پرداختن به این نهاد مهم و کنش‌گران درون آن است. از طرفی، شناخت عوامل و انگیزه‌های ورود افراد به حوزه علمیة، به‌منزله یکی از تأثیرگذارترین و مهم‌ترین سازمان‌ها و نهادهای کشور، از اهمیت بالا و تردیدناپذیری برخوردار است که درخور پژوهشی علمی و منسجم است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

همان‌گونه که در ادبیات پژوهش حاضر دیده شد، به جز اندکی از تحقیقات و آن هم به صورتی گذرا، به عوامل و انگیزه‌های ورود افراد به حوزه علمیة پرداخته نشده است. همین شناخت اندک از ابعاد مسئله و نیز نبود فرضیات و نظریات قابل بررسی در این حوزه، ما را به استمداد از روش‌های اکتشافی و کیفی برای واکاوی معانی ذهنی کنش‌گران حوزوی سوق می‌دهد. از سوی دیگر، ماهیت مسئله مطالعه‌ای فرایندی و گذشته‌نگر را می‌طلبد، چراکه لازم است سوژه‌های مورد بررسی در فضایی تعاملی سیر و فرایند حوزوی شدن خود را بازگو کنند که در آن لاجرم گذشته و جریان زمان اهمیت می‌یابد. به علت این‌که مطالعات کیفی ماهیتاً مطالعات طولی و نه مقطعی‌اند، برای انجام‌دادن چنین پژوهشی کارایی بیشتری دارند. بنابراین، با توجه به علل فوق، این مطالعه روش‌شناسی کیفی را روش غالب تحقیق و روش «نظریه زمینة‌ای (grounded theory)» را برای انجام‌دادن مراحل عملیات تحقیق برگزیده است که یکی از کارآمدترین و منظم‌ترین روش‌های کیفی است. منظور از نظریه زمینة‌ای «آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شود که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آید و تحلیل شود. در این روش، پژوهش‌گر کار را با

نظریه‌ای که از قبل وجود دارد شروع نمی‌کند (مگر آن‌که منظور او بسط یک نظریه موجود باشد)؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود» (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۳۴). در این نوع روش که مبتنی بر رهیافت تفهیم تفسیری است، درک جهان اجتماعی از نقطه‌نظر سوژه‌های مورد بررسی و معنایی که آن‌ها به دنیای اجتماعی و واقعیات خودبرساخته خود می‌بخشند هدف اصلی و بنیادی پژوهش است (Creswell, 2003; Depoy and Gitlin, 2005; Wolcott, 2008). نظریه‌پردازی زمینه‌ای برخلاف فرایند تحقیق خطی، که از نظریه نشئت می‌گیرد و در آن محققان پیش از ورود به میدان برای مطالعه مدلی از شرایط و روابط فرضی می‌سازند، به جای پیش‌فرض‌های نظری، به داده‌ها و میدان مورد مطالعه اولویت می‌دهد. نظریه‌ها را نباید بر افراد مورد مطالعه اعمال کرد، بلکه نظریه‌ها از کار روی داده‌ها و در میدان کشف صورت‌بندی می‌شوند. افراد مورد مطالعه نیز بر اساس ارتباطشان با موضوع تحقیق انتخاب می‌شوند. در این روش هدف نه تقلیل پیچیدگی از طریق تجزیه مسئله به متغیر، بلکه افزایش پیچیدگی از طریق افزودن اطلاعات زمینه‌ای به تحلیل است (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۰۸) بر همین مبنا، در مطالعه حاضر نیز از مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته که تناسب بالایی با روش نظریه زمینه‌ای دارد (Punch, 2005; Atkinson et al., 2007) به‌منزله روش اصلی و غالب گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

در تحقیق کیفی و خصوصاً روش نظریه زمینه‌ای غالباً از دو نوع نمونه‌گیری هم‌زمان استفاده می‌شود: از «نمونه‌گیری هدفمند» برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از «نمونه‌گیری نظری» برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز، یافتن مسیر پژوهش، گزینش داده‌ها و مفاهیم، و افزودن بر غنای مفهومی داده‌ها استفاده می‌شود. در نمونه‌گیری نظری (theoretical sampling) حجم نمونه یا تعداد افراد مورد مصاحبه به اشباع نظری (theoretical saturation) سوالات مورد بررسی بستگی دارد. اشباع نظری به مرحله‌ای از گردآوری داده‌های کیفی و مصاحبه‌ای اطلاق می‌شود که پاسخ‌های داده‌شده به سوالات تحقیق و یا مصاحبه‌های انجام‌شده کافی به نظر می‌رسند، چراکه داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه، مشابه و تکراری می‌شوند (کربین و دیگران، ۱۹۹۸: ۲۹۲). بر اساس منطق نمونه‌گیری کیفی و معیار اشباع نظری در تحقیقات کیفی، برخلاف روش‌های کمی و پیمایشی، از ابتدا نمی‌توان با قاطعیت کامل تعداد افراد مورد مصاحبه را پیش‌بینی کرد (Hammersley, 1997: 47; Erlandson, 1993: 82). این نمونه‌گیری دارای خاصیت انباشتی

و مبتنی بر نمونه‌های قبلی است (Strauss, 1998: 202-203). نمونه‌گیری نظری بر مبنای مفهوم «مقایسه» استوار است. منظور از مقایسه این است که به سراغ جاه‌ها، آدم‌ها، و رویدادهایی برویم که امکان کشف گوناگونی‌ها (variations) را به حداکثر برسانند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد غنی کنند (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۲۱۹). در مطالعه حاضر نیز چنین رویه و دستورالعملی در پیش گرفته شد؛ اگرچه بر اساس منطق نمونه‌گیری نظری و مصاحبه با ۳۶ نفر از طلاب مدارس حوزه علمیه اشباع نظری حاصل شد، اما برای استحکام فرضیات و نظریات تحقیق و افزودن بر چگال و غنای نظری و بالابردن پشتوانه تجربی تحقیق، تعداد مصاحبه‌ها تا ۵۴ نفر ادامه یافت.

همچنین، برای گزینش افراد مورد مصاحبه از نمونه‌گیری هدفمند بهره گرفته شد. نمونه‌گیری هدفمند، برخلاف نمونه‌گیری احتمالی - کمی، بر گزینش هدفمندانه و معیار - محور موارد یا واحدهای مورد مطالعه استوار است. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، محقق با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینه موضوع تحت بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی باشند، که به این افراد اصطلاحاً مطلعین (informants) یا دروازه‌بانان (gatekeepers) تحقیق می‌گویند (Neuman, 2006: 374). در واقع، مطلع یا دروازه‌بان فردی است که محقق با وی ارتباط برقرار می‌کند و از طریق وی در مورد موضوع یا موضوعات مورد بررسی در میدان تحقیق اطلاع حاصل می‌کند. این مطلع می‌تواند شامل هر کسی شود که بتواند محقق را در ورود به میدان مطالعه و همچنین گردآوری داده‌های لازم یاری کند (ibid). در مطالعه حاضر نیز نقش آگاه‌گران یا افراد مطلع، به‌منزله دروازه‌بانان تحقیق، بسیار مهم و حیاتی است و در آشنایی محققان با بافت میدان تحقیق و نیز کمک در یافتن سوژه‌های تحقیق و معرفی منابع و مسیرهای مناسب برای دستیابی به اهداف تحقیق لازم است.

فرایند تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای به مراحل کدگذاری در آن اشاره دارد. کدگذاری در روش نظریه زمینه‌ای شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری گزینشی می‌شود. کدگذاری عبارت است از یک فرایند تحلیلی که طی آن داده‌ها تفکیک، مفهوم‌بندی، و یکپارچه می‌شوند به گونه‌ای که بتوانند نظریه نهایی را شکل دهند. در فرایند کدگذاری، واحد تحلیل، «مفهوم (concept)» است (Strauss, 1998; Neuman, 2006). در مرحله کدگذاری باز، داده‌ها به پاره‌های مجزا خرد می‌شوند و با دقت بررسی و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند. همچنین

رویدادها، حوادث، اشیا، و عمل - تعامل‌هایی که از لحاظ مفهوم ماهیت یکسانی دارند، یا از لحاظ معنا به هم مربوط‌اند، ذیل مفهوم‌های انتزاعی‌تر که «مقوله» می‌نامیم، قرار می‌گیرند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۲۴). یکی از روش‌های انجام‌دادن کدگذاری باز تحلیل سطر به سطر است. این روش با معاینه دقیق و از نزدیک داده‌ها، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه انجام می‌شود (همان). مرحله دوم کدگذاری داده‌ها به «کدگذاری محوری» موسوم است. در این مرحله، مقولات به صورت یک شبکه در ارتباط با هم قرار می‌گیرند. در حقیقت، «فرایند مرتبط‌کردن مقوله‌ها به مقولات فرعی (زیرمقوله‌ها) را کدگذاری محوری می‌نامند» (همان). مرحله نهایی کدگذاری در روش نظریه زمینه‌ای «کدگذاری گزینشی» است. این کدگذاری برای یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها به کار می‌رود (همان) و کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۳۷). در این مرحله مقولات اصلی برآمده از تحقیق به یکدیگر می‌پیوندند و طرح نظری بزرگ‌تری را به دست می‌دهند تا یافته‌های پژوهش شکل نظریه را به خود گیرند. بعد از تعیین مقوله هسته، سایر مقولات حول محوری در قالب مدلی پارادایمیک ترسیم می‌شوند. این مدل در واقع همان نظریه زمینه‌ای است که از دل داده‌های تحقیق برآمده است.

۴. یافته‌های تحقیق

۱.۴ یافته‌های توصیفی (داده‌های زمینه‌ای)

یافته‌های توصیفی یا داده‌های زمینه‌ای، در تحقیق کیفی، زمینه و مدخل ورودی برای تحقیق محسوب می‌شوند و با کنترل شرایط پاسخ‌گویان در تحلیل نهایی مؤثر خواهند بود. در این‌جا به توصیف پاره‌ای از داده‌های زمینه‌ای مانند سن، تحصیلات، و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده پاسخ‌گویان می‌پردازیم تا از خلال آن ارتباط آن‌ها با دیگر یافته‌های تحقیق روشن شود.

۱.۱.۴ سن پاسخ‌گویان

تمامی طلاب مورد بررسی در این مطالعه از میان طلاب شاغل به تحصیل در مدارس حوزه علمیه قم انتخاب شدند. بازه سن پاسخ‌گویان از ۲۲ تا ۳۱ سال و در مجموع میانگین سنی آنان ۲۶ سال است.

۲.۱.۴ تحصیلات پاسخ‌گویان

واریانس تحصیلات پاسخ‌گویان مورد مطالعه در هنگام ورود به حوزه علمی از بازه سیکل تا فوق لیسانس را دربر می‌گیرد. به همین علت، این بازه به دو دسته طلاب دانشگاهی و طلاب غیر دانشگاهی تقسیم می‌شود. همچنین، تحصیلات حوزوی کنونی طلاب در قالب دو دسته طلاب دوره مقدمات و طلاب دوره سطح تقسیم شد. در میان طلاب دوره مقدمات^۱ هم پاسخ‌گویان با تجربه دانشگاهی و هم پاسخ‌گویان بدون تجربه دانشگاهی حضور دارند. بیش‌تر طلاب دوره مقدمات نمونه مورد بررسی تجربه دانشگاهی دارند، برعکس طلاب دوره سطح در نمونه‌های مورد بررسی با مدارک سیکل و دیپلم وارد حوزه علمی شده‌اند. هر چند بسیاری از این طلاب بعد از گذراندن دوره سطوح به دانشگاه تمایل نشان می‌دهند و برخی از طلاب نمونه دارای تجربه دانشگاهی از این دسته متأخرند، اما آنچه مهم است مدرک تحصیلی آنان در هنگام ورود به حوزه علمی است که معرف وضعیت سنی آنان محسوب می‌شود. طلاب با مدرک سیکل دارای میانگین سنی ۱۳ سال، طلاب با مدرک دیپلم دارای میانگین سنی ۲۱ سال، طلاب با مدرک لیسانس دارای میانگین سنی ۲۳ سال، و طلاب با مدرک فوق لیسانس دارای میانگین سنی ۲۵ سال در هنگام ورود به حوزه علمی‌اند.^۲

جدول ۱. مدرک تحصیلی پاسخ‌گویان هنگام ورود به حوزه علمی و تحصیلات حوزوی کنونی

جمع	تحصیلات حوزوی			
	دوره مقدمات	دوره سطح		
۹	۲	۷	سیکل	طلاب بدون تحصیلات
۲۰	۸	۱۲	دیپلم	دانشگاهی
۷	۷	-	فوق دیپلم	
۱۴	۱۴	-	لیسانس	طلاب با تحصیلات
۴	۴	-	فوق لیسانس	دانشگاهی
۳۵۴	۳۵	۱۹	جمع	

۳.۱.۴ پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده پاسخ‌گویان

پایگاه «اجتماعی - اقتصادی (socio-economic status)» پاسخ‌گویان به جایگاه اجتماعی و اقتصادی‌ای اشاره دارد که پاسخ‌گویان در نظام قشربندی اجتماعی از آن برخوردارند. این

مقیاس با متغیرهایی مانند تحصیلات، درآمد، شغل، و غیره سنجش می‌شود. در این جا مقیاس پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده پاسخ‌گویان به منزله یکی از شاخص‌های احتمالی تأثیرگذار در ورود طلاب بررسی شده است. از میان پاسخ‌گویان مورد بررسی ۲۲ درصد (۱۲ مورد) خانواده‌ای با پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا، ۵۲ درصد (۲۸ مورد) متوسط، و ۲۶ درصد (۱۴ مورد) خانواده‌ای با پایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین دارند. چنین توزیعی نشان‌دهنده این است که افراد دارای خاستگاه‌های متفاوت اجتماعی علاقه‌مند به حوزه علمیه‌اند و متقاضیان ورود به حوزه علمیه در یک پایگاه اجتماعی - اقتصادی خاص متمرکز نیستند.

۲.۴ یافته‌های تحلیلی

همان گونه که اشاره شد، دو سؤال اصلی این تحقیق این است که افراد یا کنش‌گران جوان اجتماعی برای طلبه‌شدن از چه انگیزه‌هایی برخوردارند؟ و چه عوامل و زمینه‌های اجتماعی‌ای موجب پدیدارشدن این انگیزه‌ها در آنان می‌شود تا حوزه علمیه را به منزله محیط کنش و فعالیت آینده خود برگزینند؟ همان‌گونه که در جدول زیر آمده است، از طریق تحلیل مصاحبه‌ها در مرحله کدگذاری باز بیش از ۳۸ مفهوم از دل تحلیل اولیه و جزء به جزء مصاحبه‌ها به دست آمد. در مرحله کدگذاری محوری از دل این مفاهیم هشت مقوله عمده انتزاع شدند که جامع مفاهیم پیشین بودند و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی دو مقوله هسته استخراج شدند. این دو مقوله هسته در قالب دو گانه‌های «بیرونی و درونی» عوامل و انگیزه‌ها به دست آمدند که بر اساس پیوستاری منطقی و معنادار و در قالب یک خط داستان روند ورود فرد به حوزه علمیه و طلبه‌شدن را نشان می‌دهند.

جدول ۲. مفاهیم، مقولات و مقولات هسته

مقولات هسته (core categories)	مقوله (category)	مفهوم (concept)
انگیزه‌های درونی	انگیزه علمی	داشتن زمینه آشنایی با علوم دینی، آگاه‌شدن به احکام و مسائل دینی، کیفیت بالای نظام آموزشی حوزه نسبت به دانشگاه، علاقه به آموختن علوم دینی، علاقه به درس علوم انسانی، علاقه‌نداشتن به رشته دانشگاهی، یافتن پاسخ‌هایی برای پرسش‌های ماهوی و فلسفی زندگی
	انگیزه معنوی	خودسازی، کسب معنویت، داشتن علایق مذهبی، جست‌وجوی آرامش، ترس از آلوده‌شدن به گناه در محیط‌های ناسالم، ارضانشدن نیازهای معنوی در دیگر محیط‌ها، معنویت لباس طلبگی

انگیزه‌های بیرونی	انگیزه اجتماعی	دغدغه دین‌داری افراد جامعه، اصلاح جامعه، بالا بردن قدرت تأثیرگذاری خود در جامعه
	انگیزه‌های ابزاری	علاقه‌مندی به ورود در مشاغل بوروکراتیک و اداری، حوزه پلی برای اهداف علمی دانشگاهی، کسب اعتبار اجتماعی، حوزه پلی برای ورود به منصب قضاوت، نرفتن به سربازی
عوامل درونی	بسترها و شبکه‌های معنوی	خانواده مذهبی فضای اجتماعی مذهبی: مسجد، هیئت مذهبی، پایگاه بسیج گروه همالان مذهبی
	روحانیت به منزله گروه مرجع	روحانیت به عنوان «دیگری مهم»، همزادپنداری با شخصیت مذهبی، همزادپنداری با شخصیت روحانی، اشتیاق به لباس روحانیت، الگو قرار گرفتن روحانی
عوامل بیرونی	زندگی در شبکه روحانیت	فضای علمی / دینی خانواده، خانواده و آشنایان روحانی، آشنایی با منش طلبگی و روحانیت، ارتباط و تعامل با روحانیت
	مذهبیون تأثیرگذار	تأثیر مستقیم دیگران مهم، روحانی محل، متدینین محل، دوستان حوزوی

در این جا به اختصار به توضیح مفاهیم و مقولات فوق پرداخته می‌شود:

۵. کنش و انگیزه‌ها

تصمیم برای طلبه‌شدن یک کنش یا عمل اجتماعی محسوب می‌شود. هر چند چنین کنشی از حیث شکل و صورت عمل رفتاری واحد تلقی می‌شود، اما می‌تواند با انگیزه‌های مختلفی توأم باشد. همان‌گونه که وبر می‌گوید: فرایندهای کنشی که به نظر ما کاملاً مشابه و یکسان‌اند، می‌توانند در چهارچوب انگیزه‌های گوناگونی بگنجند. افراد غالباً در شرایط معینی تحت تأثیر انگیزه‌های متعارضی قرار دارند که همگی آن‌ها برای ما قابل درک‌اند (وبر، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۳). در جامعه‌شناسی وبر چهار نوع کنش اجتماعی باز شناخته شده‌اند: ۱. کنش عقلانی معطوف به هدف^۴، ۲. کنش عقلانی معطوف به ارزش^۵، ۳. کنش عاطفی یا احساسی (یا انفعالی)^۶، ۴. کنش سنتی^۷. اقدام برای طلبه‌شدن هم، به منزله کنشی اجتماعی، با انگیزه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. اگرچه حوزه علمیه در جایگاه سازمانی اجتماعی — دینی اهداف مشخصی دارد و برای کنش‌گرانی که به آن روی می‌آورند انتظارات معین و یکسانی دارد، اما مراجعان به آن هر کدام با قصد و انگیزه‌های متفاوتی به آن روی می‌آورند.

حال این انگیزه‌ها کدام‌اند که باعث می‌شوند فردی جوان تصمیم به طلبه‌شدن بگیرد. بر اساس انجام‌دادن مراحل کدگذاری و دستیابی به مفاهیم و مقولات عمده، چهار انگیزه در غالب چهار مقوله عمده، به‌منزله انگیزه‌های غالب حوزوی شدن سوژه‌های تحقیق، کشف شد که شرح آن‌ها بدین قرار است:

۱.۵ انگیزه علمی

انگیزه علمی یکی از انگیزه‌های مهم افراد برای ورود به حوزه است. حوزه علمیه از دیرباز یکی از مراکز مهم علمی سنتی شناخته می‌شود که در آن علوم دینی تحصیل و ترویج می‌شود. برخی افراد، به جای این‌که علم را از مسیرهای دیگری چون دانشگاه کسب کنند، با ورود به مدارس علوم دینی آن را به صورت دینی و با جنس و صورتی متفاوت‌تر از محیط‌های آکادمیک همسانی چون دانشگاه فرامی‌گیرند. انگیزه علمی به اشکال متفاوتی در افراد بروز می‌یابد. ماهیت علوم دینی و اسلامی، قابلیت کاربرد آن در زندگی شخصی و اجتماعی، انگیزه عالم‌شدن و آگاهی به مسائل دینی و احکام عملی، داشتن علاقه به مطالعه علوم دینی و انسانی، و سرخورده‌شدن از رشته دانشگاهی دارای توان ترغیب‌کننده بالایی است که انگیزه لازم و کافی را برای آنان فراهم می‌کند که رهسپار حوزه علمیه شوند و حوزه را بهترین محیطی بدانند که می‌توانند این علوم را در آن کسب کنند.

محمد ۲۷ ساله دارای مدرک لیسانس علوم سیاسی این‌گونه می‌گوید:

من از قبل هم با تفسیر قرآن اینا آشنا بودم. منتهی خیلی علاقه به بحث تفسیر داشتم (داشتن علاقه به علوم دینی قبل از دانشگاه). بعد اینا باید مبنایی هم کار می‌شد و تنها جایی هم که تو این زمینه‌ها مبنایی کار می‌کنن حوزس اگه کسی بخواد تو زمینه تفسیر علوم قرآنی و اینا کار بکنه باید مبنایی کار بکنه بعد میناش هم تو حوزه پی‌ریزی می‌شه. تو دانشگاه زیاد مبنایی کار نمی‌کنن، بیش‌تر ساندویچی کار می‌کنن (اعتقاد به کارآمدی نظام آموزشی حوزه در قیاس با دانشگاه).

از دیگر انگیزه‌های علمی طلاب برای تحصیل در حوزه علمیه، یافتن پاسخ‌هایی به سؤالات وجودی و فلسفی است که طی دوران جوانی برای آنان مطرح می‌شود. این‌گونه سؤالات معمولاً برای هر فردی ممکن است در زندگی مطرح شود و هر کسی به گونه‌ای این پرسش‌ها را در درون خود حل می‌کند. برخی افراد که از روحیه جست‌وجوگری و علم‌طلبی بالاتری نسبت به دیگران برخوردارند و دغدغه بیش‌تری برای پاسخ به این‌گونه

سؤالات اعتقادی دارند، درصدد یافتن پاسخ‌های دقیق و منسجم‌تری هستند. از آن‌جا که علوم دینی مهم‌ترین منبع برای پاسخ‌گویی به این سؤالات است، حوزه علمی گزینۀ مهمی برای انتخاب و رسیدن به این جواب‌ها می‌تواند باشد.

حسین ۲۵ ساله، دارای مدرک فوق دیپلم نقشه‌کشی صنعتی می‌گوید:

دلایل زیادی بود برای این‌که من پیام حوزه، یکی از اون جرقه‌ها این بود که گفتم خب من الان در رشته‌ای هستم که تقریباً علاقه‌ای ندارم. ورود من تو این رشته از روی علاقه نبود. (عدم علاقه به رشته دانشگاهی) بعد اون جرقه حالات یه سری افراد برام جرقه بود. تمام این‌ها به کنار مهم‌ترین عاملش این بود که آدم یه موقع احساس می‌کنه که چرا هست؟ این تو سن نوزده بیست سالگی اوج پیدا می‌کنه. اکثر جوونا این رو درک می‌کنن. سؤالات اعتقادی تو اوجشه: خدا کیه؟ اصلاً خدا هست؟ کی گفته اصلاً منی که شیعه هستم درست می‌گم. نکنه سئیه درست می‌گه. تمام این سؤالات برام قانع‌کننده نبود که پیام سطحی جواب بدم و رد بشم. به خاطر این تصمیم گرفتم پیام حوزه (پاسخ به پرسش‌های کلامی و اعتقادی). پس یک علاقه خودم تو دروس علوم انسانی دوم این‌که این سؤالات رو می‌خواستم یه جا به من جواب بده. بعد مسیرشم دیدم این جاست جای دیگه نیست.

مجتبی ۲۴ ساله، فوق لیسانس علوم قرآن و حدیث می‌گوید:

واقعاً انسان وقتی می‌خواد معارف رو درست یاد بگیره حالا که ما معتقدیم اسلام یه دین کامل هست و این‌که تمام جوانب زندگی را در نظر گرفته. وقتی انسان بخواد معارف رو خوب یاد بگیره بهتره که از اون منشأ یاد بگیره و اون منشأ و راه‌های رسیدن به اون منشأ رو درست یاد بگیره. به نظرم میاد حوزه حالا با توجه به این مدت که تو دانشگاه بودیم حوزه یه راه دیگه‌ای که شما بهتر می‌تونید نسبت به این منشأ دست پیدا کنید، شرایط فراهم‌تره و خوب‌تر می‌رسید به اون هدفتون (اعتقاد به کارآمدی نظام علمی حوزه). مضافاً بر این‌که شما می‌تونید بهتر تأثیرگذار باشید یعنی وقتی معارف رو یاد می‌گیرید. استاد دانشگاه یه قشر خاصیه دیگه ولی تو حوزه طلبه وقتی کسی بشه، می‌تونه رو همه قشر مردم از هر صنفی که می‌خوان باشن تأثیرگذار باشه (بالارفتن قدرت تأثیرگذاری).

داده‌های زمینه‌ای پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که در این انگیزه میان طلاب فاقد تجربه دانشگاهی و طلاب دارای تجربه دانشگاهی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. معمولاً، یکی از انگیزه‌های مهمی که پیش روی طلاب فاقد تجربه دانشگاهی (طلاب جوانی که با مدارک سیکل یا دیپلم وارد حوزه می‌شوند) قرار داده می‌شود، انگیزه‌های علمی در حوزه علمی است تا موجب چشم‌پوشی آنان از دانشگاه و فضای آکادمیک و مدرن شود. در این دسته از طلاب انگیزه علمی به منزله یکی از انگیزه‌ها مطرح می‌شود، اما برای جذب به حوزه

محرک‌های دیگری نیز لازم است، نه صرفاً انگیزه علمی. طلبه‌های با تجربه دانشگاهی^۸ (طلابی که با مدارک دانشگاهی وارد حوزه علمیه می‌شوند) انگیزه علمی قوی‌تری دارند، چراکه آنان تجربه فضای علمی از نوع دانشگاهی را دارند و کم‌تر در عطش کسب علم آن هم در دانشگاه به سر می‌برند و از بین رفتن به دانشگاه یا رفتن به حوزه کم‌تر دچار سرگردانی‌اند. آنان یا از علوم سرد و خشک فنی و ریاضی رَمیده‌اند و این علوم توان اقناع انگیزه‌های درونی آنان را ندارد یا این‌که علوم انسانی‌ای که در دانشگاه می‌خوانند چندان چنگی به دل آنان نمی‌زند و شاید گاهی با مبانی دینی آنان در تعارض است. برخی از آنان رشته‌ای را انتخاب کرده‌اند که علاقه‌ای به آن ندارند و با روحیات آنان چندان سازگار نیست. به طور کلی، مسئله «انتخاب» بیش‌تر در طلاب با تجربه دانشگاهی صدق می‌کند و انتخاب طلاب دانشگاه‌نرفته کم‌تر از جوشش درونی فرد نشئت می‌گیرد و بیش‌تر متأثر از عوامل بیرونی است.

در مجموع باید گفت، با توجه به کارکرد حوزه علمیه در جایگاه یک نظام علمی و آموزشی که مهم‌ترین مرکز فراگیری علوم دینی است، انگیزه علمی از مهم‌ترین انگیزه‌های طلاب برای رفتن به حوزه علمیه و تحقق نیازهای علمی آنان است.

۲.۵ انگیزه معنوی

ماهیت و ساختار حوزه‌های علمیه که از دیرباز محل زندگی، تحصیل، و تهذیب بسیاری از علما و بزرگان دین بوده، باعث شده است تا بسیاری از افراد محیط معنوی آن را زمینه رشد و تعالی خود تلقی کنند. به همین سبب «معنویت» انگیزه مهمی است که افراد آن را در حوزه علمیه جست‌وجو می‌کنند. افراد با انگیزه معنویت حوزه علمیه را مکان معنوی‌تری در مقایسه با سایر مکان‌ها و محیط‌های اجتماعی فرض می‌کنند و به‌منزله مکانی قدسی آن را در ذهن خود مجسم می‌کنند. فضایی معنوی که محل نشست و برخاست با انسان‌های وارسته و نیک است، دروس اخلاق، حضور در محیطی آکنده از جریان معنوی و تهذیب نفس، و بسیاری از موارد سبب می‌شود تا جوان آرمان‌طلب و معنویت‌خواه در جست‌وجوی مدینه فاضله خود حوزه علمیه را به‌منزله مکانی برای رسیدن به چنین هدفی برگزیند.

رضا ۲۸ ساله، طلبه پایه چهارم، از تجربه خود از انواع محیط‌های اجتماعی قبل از حوزه و دل‌کندن از آن‌ها می‌گوید:

وقتی رفتم دانشگاه اونجا تفاوت‌ها را کم‌کم دیدم. دیدم وقتی که وارد جامعه می‌شی، به سری تفاوت‌ها وجود داره؛ یعنی فرق به آدم مذهبی با به آدم غیر مذهبی تو این جور جاها خودشو نشون می‌ده. اون موقع هم وضعیت تهران زیاد جالب نبود من لباس می‌انداختم رو شلوارم به تیپ بسیجی. هیچ کی این کارو نمی‌کرد. همه موها رو ژل می‌زدن و صورتا رو هم تیغ می‌زدن مثلاً یادم میاد اونجا ماشین اصلاح صورت نبود، همه تیغ می‌زدن. حالا بچه‌های اتاق ما مراعات من رو می‌کردن یعنی سی‌دی و این جور چیزا نمی‌داشتن، ولی بقیه این جور نبودن. تو محیط خوابگاهی که بودم خیلی‌ها اصلاً نماز نمی‌خوندن. اونجا دیگه جرقه‌ها زده شد. من اصلاً سرد شدم تا این‌که دانشگاه رو دیگه ادامه ندادم (نارضایتی از محیط آکادمیک). همون فوق دیپلم رو گرفتم. من اونجا موقعیت کاریم خیلی خوب بود همه بچه‌هامون مهندس شدن و رفتن شرکت زدن، اما من دیدم با این رشته و محیط کاری نمی‌شه. اصلاً وارد بازار کار شدن نرخ نداره. این جور کارا جهنمی شدنش خیلی ساده‌تره تا بهشتی شدن. مثلاً می‌ری نخود بخری مقدارش مشخصه، اما کار ما اصلاً نرخ نداشت (حساسیت به شیوه کسب روزی). دیگه من اصلاً ادامه ندادم تا این‌که رفتم سربازی. تو سربازی هم این بیش‌تر نمود پیدا کرد. من تو نیرو زمینی ارتش بودم. یه محیط خشک نظامی که خیلیا حتی نماز نمی‌خوندن. مثلاً از بین کارمندایی که بودن یه نفر به ته ریشی گذاشته بود و یه نماز و قرآنی می‌خوند، اما بقیه این جور نبودن ... تا این‌که بعد از خدمت من دودل بودم از یک طرف دوس داشتم محیط کارم مذهبی و سالم باشه مثلاً مثل سپاه از طرف دیگه هم فکر مادیات و سوسم می‌کرد، از یه طرف هم دوس نداشتم معیارهای اخلاقی رو از دست بدم و این‌که نمی‌خواستم وارد اقتصاد ناسالم و خراب جامعه بشم (اهمیت داشتن محیط کاری سالم). خلاصه رفتم یکی از ارگان‌های دولتی مصاحبش را هم قبول شدم. خوبم پول می‌دادن. به عنوان کارشناس ما را برده بودن. روز اول رفتم سر کار تا این‌که ظهر شد موقع اذان. یه مسجد هم دقیقاً کنار ادارمون بود. ... صدای اذان بلند شد من دیدم هیچ‌کس تکون نمی‌خوره یعنی اذان داره تو مسجد گفته می‌شه، اما همه بی‌تفاوت سرکارشون. من قرار بود ظهر برگه قرارداد رو امضا کنم که فرداش برم دوره. خودکارو گذاشتم زمین و گفتم الان می‌يام. رفتم نمازو دیگه برنگشتم. زنگ‌زدن گفتم دیگه نمی‌يام. تا این‌که اونجا من عزمم رو جزم کردم. دیگه اونجا جرقه‌ها زده شده بود. سه تا محیط رو تجربه کرده بودم. معیارهای اخلاقی‌ای که از دین و دیانت تو ذهنم بود دیدم کم پیدا می‌شه (نارضایتی از انواع محیط‌های اجتماعی) دیگه تصمیم گرفتم که وارد حوزه بشم.

به طور کلی، باید گفت که «انگیزه معنوی» همواره یک پایه حوزوی شدن افراد است و می‌توان آن را در همه افراد با خاستگاه‌های متفاوت اجتماعی، سنی، و تحصیلی یافت و در مجموع در کنار انگیزه علمی از مهم‌ترین انگیزه‌های افراد برای روی آوردن به حوزه علمیه است.

۳.۵ انگیزه اجتماعی

یکی دیگر از انگیزه‌های ورود افراد به حوزه علمیه مسائل و مشکلاتی است که آن‌ها حس می‌کنند در جامعه وجود دارد و این مسائل و مشکلات دغدغه ذهنی آنان شده است. در این حالت تصمیم افراد برای طلبه شدن با آمیزه‌ای از «احساس تکلیفی» توأم است که آنان نسبت به جامعه دارند. دغدغه دین‌داری افراد جامعه موجب راهی شدن آن‌ها به حوزه علمیه می‌شود تا با تقویت بنیه علمی و اخلاقی و کسب تجارب لازم با ورود به عرصه جامعه به درمان و اصلاح آسیب‌های دینی و اجتماعی بپردازند که گریبان‌گیر افراد جامعه است.

حسن ۲۳ ساله، طلبه پایه ششم، می‌گوید:

چیزی که من تو تهران بیش‌تر درک کردم مشکلات جامعه بود. مخصوصاً تو دبیرستانیا. ناآشنایی با دین، اون همه‌ها و ماهواره‌ها و فکرشون پر از مثلاً چیزای بیخود شده بود و اینا. خب خیلی آدم رو اذیت می‌کرد. خیلی دوس داشتم یه کاری انجام بدم، ولی خب اون ور علمیتش رو نداشتم. شاید یکی دوتا شبهه جواب می‌دادم، ولی خب قانع‌کننده نبود. خیلی دوس داشتم که بتونم مشکلات رو حل کنم. وقتی دیدم چنین فضایی هست خب خیلی دیگه واجب دیدم که پیام این‌جا سریعاً خودمو تقویت کنم و برا حل کردن مشکلات خودم رو آماده کنم (احساس تکلیف).

رضا ۲۷ ساله، طلبه پایه چهارم، می‌گوید:

من دوس داشتم هر جا می‌رم تأثیرگذار باشم تو هر محیطی می‌رفتم از من سؤال شرعی و دینی می‌پرسیدن. دیدم تنها محیطی که بتونم دینم را به دین ادا کنم (احساس تکلیف) و خودم هم پیشرفت کنم حوزس.

همان‌گونه که ذکر شد، مهم‌ترین خصیصه این انگیزه «احساس تکلیف» فرد در برابر جامعه است. بنابراین، این انگیزه فقط بر محور خواسته فردی شخص بروز نمی‌یابد، بلکه جامعه و اصلاح آن است که برای فرد اهمیت می‌یابد. بررسی سوره‌های تحقیق نشان می‌دهد که معمولاً فراوانی این انگیزه در ابتدای ورود افراد به حوزه کم‌تر از دو انگیزه علمی و معنوی است. با توجه به این‌که انگیزه فرد با تجارب علمی و قابلیت‌های اخلاقی وی در ارتباط است در ابتدای ورود به حوزه علمیه، که فرد کم‌تر این خصوصیات را در خود می‌یابد، این انگیزه به نسبت دو انگیزه علمی و معنوی در اولویت بعد قرار می‌گیرد. پس از ورود به حوزه و چند سال تحصیل و تقویت بنیه علمی و اهمیت یافتن مسئله تبلیغ دین و نیازها و ضرورت‌های جامعه، اهمیت این انگیزه و موضوعیت آن برای طلاب پررنگ‌تر از گذشته خواهد شد.

۴.۵ انگیزه ابزاری

سه انگیزه علمی، معنوی، و اجتماعی از میان چهار نوع کنش ویر بیش تر با کنش ارزشی تطابق دارند. در عین حال نیز، نمی توان کنش افرادی را که تصمیم به طلبه شدن می گیرند صرفاً و کاملاً ارزشی دانست و نگاه تماماً تقدیرگرایانه به آنان نسبت داد و عقلانیت ابزاری و کنش معطوف به هدف را از آنان سلب کرد. انگیزه دیگر کنش گران برای ورود به حوزه علمیه انگیزه های ابزاری است. منظور از انگیزه ابزاری انگیزه های است که در آن حوزه علمیه به منزله مسیری تسهیل کننده برای رسیدن به وضعیتی مطلوب اجتماع انتخاب می شود. این نوع انگیزه را از میان چهار نوع کنش ویر می توان به منزله «کنش عقلانی معطوف به هدف» قلمداد کرد، زیرا در این جا با توجه به شناخته های فاعل کنش، هم هدف و هم وسیله معقولانه انتخاب می شود، اما با توجه به ساختار حوزه علمیه نوعاً چنین فضایی کم تر کنش لازم را برای تحقق چنین انگیزه های فراهم می کند. تصور زندگی با مختصر شهریه طلبگی، درآمد تضمین نشده فعالیت های پژوهشی یا تبلیغی، پیش رو داشتن سال های طولانی تحصیلی، و از طرفی پذیرش تکالیف و وظایف سنگین دنیوی و اخروی، که با طلبه شدن بر فرد مترتب می شود، انگیزه ضعیف و در اکثر مواقع بازدارنده ای است برای این که فرد به حوزه علمیه به دیده ابزاری برای رسیدن به وضعیت مطلوب اجتماعی بنگرد، اما برخی از کنش گران معادلات دیگری در ذهن دارند.

در کنار نگاه به معیشت زندگی، صعود از نردبان منزلت اجتماعی یا شغلی در جامعه، دستیابی به مشاغل اداری و بوروکراتیک، انگیزه برای رسیدن به مسئولیت ها و پست های بالا و در مجموع تحرک شغلی، و ارتقای موقعیت اجتماعی - اقتصادی می توانند از عوامل برانگیزاننده ای باشند که باعث می شوند فرد با چنین تصویری مسیر حوزه را برای دستیابی به این اهداف برگزیند. علاوه بر این، انگیزه های فرعی تری چون نرفتن به خدمت سربازی یا پل قراردادن حوزه برای رسیدن به هدف های علمی دانشگاهی یا غیر دانشگاهی می توانند انگیزه هایی از همین سنخ باشند.

محسن ۲۵ ساله، طلبه پایه پنجم و لیسانس کامپیوتر، می گوید:

واقعیتش رو بخواهید من دیدم چندان علاقه ای به رشته کامپیوتر ندارم، نون درآوردن از توش هم برا من که علاقه نداشتم سخت بود. از طرفی یکی از انگیزه هام علاقه به درس علوم انسانی بود که پیام حوزه (انگیزه علمی)، ولی خب هدف اصلیم، در آینده قاضی شدن که توی حوزه خیلی راحت تر از دانشگاه می تونی قاضی بشی، حقوق و مزایاشم

خیلی با هم فرقی نداره (محاسبه ذهنی و دقیق اهداف؛ انگیزه ابزاری). بعد از پایه شش قصد دارم برم مدرسه قضا (هدف‌گذاری برای آینده).

البته عموماً کم‌تر چنین حالتی رخ می‌دهد که فردی فقط با صرف انگیزه ابزاری وارد حوزه علمیه شود. برای طلبه‌شدن به دیگر انگیزه‌ها در کنار این انگیزه نیاز است، زیرا دنبال کردن چنین انگیزه‌ای در میدان‌های اجتماعی دیگری چون دانشگاه که مدرک علمی در آن از اعتبار بالاتری برخوردار است، ممکن است معقولانه‌تر و دستیابی به نتیجه در آن آسان‌تر به نظر آید. بنابراین، غالباً برای عملیاتی شدن این انگیزه به دیگر انگیزه‌ها و زمینه‌ها برای طلبه‌شدن نیاز است.

هادی ۲۸ ساله، طلبه پایه چهارم، می‌گوید:

انگیزه‌ها مختلف بود. یکی این که فقه را بخونم تا اجتهاد مثلاً (انگیزه علمی) یا یکی این که تو قم باشم (اهمیت مکانی شهر قم؛ انگیزه معنوی) یا یکی این که سربازیم نرم (انگیزه ابزاری). خصوصاً این که تو قم باشم برام خیلی مهم بود و این که فقه را تو حوزه بخونم (اولویت داشتن انگیزه‌های علمی و معنوی).

غالباً افرادی که این انگیزه برای آنان در اولویت اول قرار دارد کم‌تر حاضرند به طور کامل پذیرای نقش طلبگی باشند و ممکن است پس از چند سال تحصیل علوم دینی وارد دیگر عرصه‌های اجتماعی شوند و نقش طلبگی آنان کمرنگ‌تر شود، زیرا پذیرش کامل نقش سنتی طلبگی توأم با تنش‌ها و وظایف بسیاری است که با این انگیزه در تضاد یا تنش قرار می‌گیرد.

جلال ۲۵ ساله، طلبه پایه هشتم، می‌گوید:

من خودم بعیده ملبس بشم و بخوام منبر و این جور چیزا برم (پذیرفتن کامل نقش طلبگی). فقط اومدم این جا چند سال درس بخونم، بعد برم دانشگاه. بالاخره اگه در کنار دانشگاه بتونی تحصیلات حوزوی هم داشته باشی خب روی شما یه جور دیگه حساب باز می‌کنن. ممکنه بخواهی یه جا جذب بشی که حوزوی بودن خیلی به کارت میاد (ابزاری شدن انگیزه).

در این انگیزه به علت این که فرد موقعیت شغلی و اجتماعی خود را در ارتباط با جامعه می‌سنجد یک «انگیزه بیرونی» تلقی می‌شود، زیرا سعی فرد بهبودبخشیدن به موقعیت اجتماعی خود است، برخلاف انگیزه اجتماعی. در انگیزه اجتماعی نیز انگیزه فرد بیرونی است و در رابطه با جامعه تعریف می‌شود، اما هدف بهبودبخشیدن یا رسیدن به یک

وضعیت اجتماعی مطلوب و خواسته‌های شخصی نیست. در این جا به سبب اشتراک و موضوعیت «جامعه» و «موقعیت اجتماعی» در دو انگیزه فوق، این دو در قالب مقوله‌ای کلی‌تر یعنی «انگیزه‌های بیرونی» گنجانده شده‌اند.

جدول زیر فراوانی اولویت انگیزه‌های هر یک از پاسخ‌گویان را برای ورود به حوزه علمی نشان می‌دهد. دو انگیزه معنوی و علمی، که انگیزه‌های درونی‌اند، مهم‌ترین انگیزه‌های ورود به حوزه و اولویت اول پاسخ‌گویان برای انتخاب حوزه علمی محسوب می‌شوند، اما انگیزه اجتماعی و بعد از آن انگیزه ابزاری در اولویت‌های بعدی انگیزه‌های پاسخ‌گویان قرار دارند.

جدول ۳. فراوانی اولویت مهم‌ترین انگیزه‌های پاسخ‌گویان نمونه هنگام ورود به حوزه علمی

علمی	معنوی	اجتماعی	ابزاری
اولویت اول	۳۲	۷	۴
اولویت دوم	۱۱	۹	۲
اولویت سوم	۲	۲۲	۶

با توجه به مقولات عمده‌ای که در مرحله کدگذاری محوری استخراج شد، در مرحله کدگذاری گزینشی، در میان این مقولات عمده، مقوله‌های هسته به دست آمده چنین است: انگیزه‌های ورود به حوزه به دو نوع انگیزه‌های درونی و بیرونی تقسیم شده‌اند. انگیزه‌های معنوی و انگیزه علمی جزو انگیزه‌های درونی‌اند، اما دو انگیزه دیگر یعنی انگیزه اجتماعی و انگیزه ابزاری شکل بیرونی دارند. در انگیزه اجتماعی فرد انگیزه اصلاح جامعه را دارد؛ در این انگیزه فرد تنها به خود نمی‌اندیشد و حساسیت او به وضعیت جامعه موجب می‌شود تا تصمیم بگیرد که طلبه شود، اما انگیزه ابزاری نیز با وضعیت فرد در جامعه در نظر گرفته می‌شود. او انگیزه دارد از طریق حوزه به موقعیت منزلتی و شغلی بالاتری دست یابد. بنابراین، او وضعیت خود را در رابطه با جامعه می‌سنجد.

جدول ۴. مقولات اصلی و مقولات هسته در انگیزه ورود طلاب به حوزه علمی

مقولات اصلی	مقولات هسته
انگیزه معنوی انگیزه علمی	انگیزه درونی
انگیزه اجتماعی انگیزه ابزاری	انگیزه بیرونی

اما کدام عوامل جامعه‌شناختی باعث پدید آمدن این انگیزه‌ها می‌شوند یا به طور صحیح‌تر، کدام عوامل و زمینه‌های اجتماعی موجب می‌شوند فرد تصمیم به طلبه‌شدن و ورود به حوزه علمیه بگیرد؟ از میان سوژه‌های مورد بررسی چهار مقوله مهم از عوامل جذب افراد به حوزه علمیه به شمار آمدند، که در قالب دوگانه «عوامل درونی» و «عوامل بیرونی» به عنوان مقولات هسته انتزاع شدند.

به طور کلی، فصل مشترک در همه افراد علاقه‌مند به حوزه علمیه تجربه و آشنایی نسبی آنان با دین، روحانیت، و حوزه علمیه است. چنین درکی غالباً از طریق پیوند کم و بیشی به دست می‌آید که آن‌ها با محیط و فضاهای مذهبی دارند. جاری بودن فضای دینی در خانواده، رفت و آمد به مسجد، هیئت، پایگاه بسیج و فضاهای مشابه آن زمینه آشنایی با دین و روحانیت است که به شکل‌گیری علایق مذهبی در فرد کمک می‌کند. همه این‌ها شرایط و علل زمینه‌ساز شاکله‌ها و درونیات مذهبی در فردند، اما این شرایط زمینه‌ساز و علل اولیه که به پیدایش «علایق مذهبی در فرد» کمک می‌کنند، به تنهایی جرقه حوزوی شدن را در ذهن او نمی‌زنند. در این جا و بر مبنای یک مقوله‌بندی انتزاعی پای دو دسته از عوامل به میان می‌آید:

۶. عوامل پیدایش انگیزه‌های افراد برای طلبه‌شدن

۱.۶ عوامل درونی (تأثیر غیر مستقیم)

گفته شد که تجربه و آشنایی نسبی فرد با دین و روحانیت، که ناشی از پرورش‌یافتن وی از دل خاستگاه‌ها و محیط‌های مذهبی است، منجر به شکل‌گرفتن علایق مذهبی اولیه در وی می‌شود. این علایق مذهبی و آشنایی نسبی با دین و روحانیت که حالتی درونی دارد زمانی تشدید و تقویت می‌شود که فرد در معرض دو عامل، یعنی: ۱. حضور در بسترهای معنوی؛ ۲. ارتباط با افراد معنوی حاضر در این بسترها، قرار گیرد و یک گام فراتر، زمینه علاقه‌مندی فرد به حوزه علمیه را فراهم می‌کند. داشتن خانواده‌ای مذهبی و رفت و آمد در فضاها و مکان‌های مذهبی مانند مسجد، هیئت‌های مذهبی، پایگاه بسیج، و نظایر آن منجر به شکل‌گیری علایق مذهبی در فرد می‌شود. همین حضور فرد در چنین حلقه‌های آغشته به دین و مذهب زمینه ارتباط او را با افراد معنوی و دین‌دار مانند روحانیان، دوستان حوزوی یا هیئتی و بسیجی فراهم

می‌کند. در چنین فضایی که حاصل موقعیت مکانی و نیز برقراری تعامل با سوژه‌های معنوی در این مکان‌هاست، فرد کم‌کم الگوهای ذهنی و منش‌های اخلاقی و رفتاری کنش‌گران حاضر در این مکان‌ها را به خود می‌گیرد و نوعی «جامعه‌پذیری دینی» در وی پدید می‌آید. فرد رفته‌رفته و به طور ناخودآگاه این الگوهای اخلاقی و رفتاری را در زندگی عملی خود پیاده می‌کند. این الگوهای ذهنی شامل روحانیون، دوستان حوزوی، هیئتی، مسجدی، بسیجی، و نظایر آن و به طور عام «تیپ افراد مذهبی» و به طور خاص «تیپ طلبه و روحانی» می‌شود. پیدایش این الگوهای ذهنی حس همانندگری را با تیپ روحانی در فرد پدید می‌آورد و زمینه‌ای می‌شود که با ظهور و هم‌دستی دیگر عوامل درونی یا بیرونی انگیزه‌های لازم در اقدام عملی برای طلبه‌شدن فراهم شود. در حقیقت، افراد مذهبی و خصوصاً تیپ روحانی برای این دسته از نوجوانان و جوانان به چیزی شبیه آن‌چه در ادبیات جامعه‌شناسی از آن به «گروه مرجع» تعبیر می‌شود، تبدیل می‌شوند.

محسن ۲۴ ساله، طلبه پایه سوم، می‌گوید:

عرض کنم که ما حالا خدا رو شکر اول باید دعا کنیم به جان پدر و مادرمون از همون بچگی علاقه خاصی داشتیم به معارف دینی مخصوصاً نمی‌دونم علاقه خاصی به تفسیر قرآن داشتیم (تشکیل شاخه‌های مذهبی در دوران نوجوانی). یادمه از همون راهنمایی بودیم می‌رفتم جلسات تفسیر و علاقه خاصی داشتم و الحمدلله محیط مذهبی خانوادمون خوب بود یعنی پدر و مادر تشویق می‌کردن (فضای مذهبی خانواده) که حالا به مسجد اینا پامون باز شده بود. می‌رفتیم و می‌یومدیم (ارتباط با فضاها مذهبی) و به همین خاطر از روحانی خوشمون می‌یومد. دوس داشتیم مثل روحانی باشیم. اون قداستی که داشت، اعمالی که انجام می‌داد خب شاخص بود تو مردم دیگه (الگو قرار گرفتن روحانی؛ روحانیت در موضع گروه مرجع).

رضا ۲۶ ساله، طلبه پایه پنجم، نیز می‌گوید:

حالا خیلی جالبه این انگیزه که می‌گم. یه سریش که اصلاً برمی‌گرده به گذشته یعنی شاید مثلاً یه سری حالات روحی طرف شاید اون موقع یعنی اولین باری که من به ذهنم افتاد پیام طلبه بشم، انگیزه خاصی تو ذهنم نبود مثلاً چون حالا مسجد می‌رفتیم (حضور در محیط دینی)، از روحانی محلمون خوشمون می‌یومد و ما دوس داشتیم شبیه اون بشیم (همزادپنداری با شخصیت روحانی).

عبدالله ۲۹ ساله، طلبه سطح سوم، می‌گوید:

یکی از اون جملاتی که رو من تأثیر گذاشته بود از پسر عمّم بود که از اولی که وارد فعالیت‌های بسیج شده بودیم ایشون عامل بودن. ایشون حرف جالبی زده بودن چون تأثیر می‌ذارن رو آدم. چون تو روند بسیج هیئت و اینا بودیم (حضور در فضاهاى مذهبی) اون بزرگوار روی من تأثیر گذاشته بود ناخواسته. حتی حرکاتش که حتی خواهرام و برادرام به من می‌گفتن این حرکت مثلاً شبیه اون شده (الگو قرار گرفتن فرد مذهبی) پسر عمّم که مشوق من بود که پیام تو سرود و بعد بسیج هیئت و این چیزا. حرکاتم شبیه اون شده بود (هماندگری با شخصیت مذهبی). حالا یکی از جملاتی که رو من تأثیر گذاشت این بود می‌گفت اگه ماها یه دو سال بریم توی زندگی طلبگی، تو حوزه بریم خیلی فایده داره می‌گفت همین دو سال موندن اون‌جا نه این‌که طلبه بشیم دو سال موندن اون‌جا یعنی آدم از لحاظ معنوی بیمه می‌شه. این دقیقاً یه جرقه‌ای تو ذهنم بود (تأثیر غیر مستقیم شخصیت مذهبی در پیدایش انگیزه معنوی).

به طور کلی، این عوامل یک‌باره و آنی انگیزه طلبه‌شدن را در فرد ایجاد نمی‌کنند، بلکه در یک پروسه نسبتاً زمان‌بر و طولانی انگیزه لازم را در فرد ایجاد می‌کنند. ممکن است فرد پس از تجربه محیط‌ها و فضاهاى اجتماعى و مقایسه آن‌ها با یکدیگر سرانجام حوزه را انتخاب کند. این مسئله خصوصاً در طلابی که بعد از تجربه فضای دانشگاه به حوزه روی می‌آورند بیش‌تر صدق می‌کند. در واقع، طلاب دانشگاه‌رفته بیش‌تر متأثر از این عوامل درونی حوزه را انتخاب می‌کنند؛ در این شکل از حوزوی‌شدن فردی که به محیطی چون دانشگاه می‌رود همواره دغدغه ورود به حوزه را با خود به همراه دارد. این دغدغه در نهایت با مشورت فرد با افراد مذهبی و خصوصاً افرادی که دارای تجربه حوزوی‌اند مانند دوستان حوزوی و روحانیان آشنا خاتمه می‌یابد و فرد تصمیم به طلبه‌شدن می‌گیرد. بنابراین، «عاملیت» و آگاهی (محرک درونی) فرد که ناشی از تجربه فرد و نیز تشدید انگیزه‌های حوزوی‌شدن است بیش‌تر در انتخاب فرد ظاهر می‌شود. بسترها و میدان‌های اجتماعى معنوی که مجموعه ارتباطات فرد را دربر می‌گیرند، به شکل غیر مستقیمی، بر ذهنیت فرد تأثیر می‌گذارند و موجب می‌شوند تا در ناخودآگاه وی تصویر خوشایندی از طلبه‌شدن و محیط حوزه علمیه و فرد روحانی شکل بگیرد و علاقه‌مندی برای طلبه‌شدن در وی پدید آید. در این جاست که این ذهنیت، به‌منزله عاملی درونی، فرد را در نقش تصمیم‌ساز قرار می‌دهد و با اعطای عاملیت او را به این درک می‌رساند که مسیر حوزه علمیه را در پیش گیرد.

۲.۶ عوامل بیرونی (تأثیر مستقیم)

عوامل بیرونی مؤثر در ترغیب طلاب برای طلبه‌شدن، برخلاف عوامل درونی، از نقش و تأثیر مستقیمی برخوردارند. این عوامل در بیرون از کنش‌گر قرار دارند و به‌منزله متغیری بیرونی در تصمیم‌ها و انگیزه‌های طلاب مداخله می‌کنند. در این‌جا فرد از ابتدا انگیزه‌ای جدی برای رفتن به حوزه ندارد یا اگر انگیزه‌ای داشته باشد، این انگیزه چندان شدید نیست که باعث شود فرد دست به یک ریسک بالا بزند و برای ورود به حوزه تصمیمی جدی بگیرد، بلکه این جدیت و انگیزه را محرک‌های بیرونی یا افراد دیگر به وی تزریق می‌کنند، اما این مداخله را چه کسانی صورت می‌دهند؟

در این میان دو گروه نقش مهمی دارند: ۱. وجود یک فرد روحانی در خانواده؛ ۲. افراد مذهبی مرتبط با فرد مانند دوستان حوزوی، روحانی محل یا شهر، افراد مذهبی‌ای که در مسجد، هیئت، بسیج، و نظایر آن حضور دارند. به‌طور کلی، این افراد مذهبی همان «دیگران مهم» طلبه‌اند که برای حوزوی‌شدن او را تشویق می‌کنند. بسیاری از افرادی که وارد حوزه می‌شوند خانواده‌ای روحانی دارند. بدین معنی که در بین افراد خانواده یا فامیل درجه یک آنان فردی روحانی و طلبه وجود دارد و با پیشنهاد و تأثیر مستقیم او فرد تصمیم به طلبه‌شدن می‌گیرد. از بین سوژه‌های مورد بررسی ۲۸ مورد از ۵۴ مورد، یعنی بیش از ۵۰ درصد از آنان، چنین وضعیتی داشتند.

محمدصادق ۲۲ ساله، طلبه پایه ششم که با مدرک دیپلم وارد حوزه شده است، می‌گوید:

اقوام خالم و شوهرش طلبه بودن، پسرشون هم با من می‌خواست بیاد حوزه. دامادمون هم که تازه وارد زندگی ما شد طلبه بود. اون طلبگی را تو ایشون دیدم دیگه یه فردی که ۲۸، ۲۹ سال سن داره این‌جور نگرشی داره این‌جور برخوردایی داره، همه دوسش دارن، بین اقوام محبوبه (موقعیت استار (star) روحانی در خانواده). خیلی کنجکاو شدم بینم که واقعاً چی شده که اون این‌طوری شده ولی خب اون‌جور آشنایی نداشتم که بیام طلبه بشم (نبود انگیزه ابتدایی) ولی خب خیلی کنجکاو شدم بینم چیه. تا این‌که سال ۸۶ شد ما هم که سخت مشغول خوندن کنکور و در تب و تاب کنکور بودیم دیگه دامادمون زنگ زد گفت که می‌خوای در مورد حوزه برات توضیح بدم و می‌خوای دفترچه ثبت‌نامش رو بگیرم. خب چون من قبلاً علاقه داشتم خیلی کنجکاو شدم و گفتم خب آره دیگه. دیگه بعد ایشون یه کتابی معرفی کردن ارزش‌ها و افتخارات طلبه ... (تأثیر مستقیم روحانی).

علاوه بر حضور یک فرد روحانی در خانواده فرد، حالتی هم وجود دارد که در خانواده شخص روحانی وجود ندارد و در این حالت، افراد مذهبی دیگر این نقش را بازی می‌کنند. مجموعه ارتباطاتی که فرد در محیط اجتماعی با افراد مذهبی برقرار می‌کند نقش تعیین‌کننده‌ای در علاقه‌مند شدن او به حوزه دارد. ارتباط فرد با افراد از سنخ مذهبی روحانی یا غیر روحانی که در جاهایی چون مسجد، هیئت، یا بسیج فعال‌اند و اعتماد درونی فرد به این افراد و سیادت معنوی آنان نزد وی، انگیزه‌های طلبه‌شدن را در او ایجاد می‌کند. این انگیزه با اشکالی چون مشاوره، پیشنهاد، و نظایر آن در درون فرد به وجود می‌آید.

حسام ۳۱ ساله، طلبه دوره سطح، می‌گوید:

اون زمان دانشگاه قبول شدیم رشته باستان‌شناسی. حوزه هم پذیرفته شدیم. بعد متحیرموندیدم حوزه را انتخاب کنیم یا دانشگاه رو (تصمیم جدی نداشتن برای طلبه‌شدن؛ تردید در انتخاب). با یکی از این متدینین مسجد صحبت کردم گفت خب می‌تونی بری حوزه بعد محوریت قرآن، تفسیر قرآن، نماز جماعت، ذکری، روضه‌ای و ... که این دید رو به من داد که با تصور معنویت اومدم حوزه (تأثیر عامل بیرونی؛ دیگری مهم مذهبی).

فرهاد ۲۳ ساله، طلبه دوره سطح که با مدرک دیپلم وارد حوزه شده است، می‌گوید:

خانواده ما خانواده مذهبی بود (حضور در خانواده مذهبی). یکی از داداشای من مداح بود. هیئت داشتیم برا خودمون. با خانواده روحانی، با روحانی‌های شهر ارتباط داشتیم. (ارتباط با روحانیت) به خاطر همین انگیزه شد که برادر مداح ما پیشنهاد بده که پیام طلبه بشم (تأثیر عامل بیرونی). البته شرایط روحی من فرق می‌کرد. وقتی به من پیشنهاد شد من آمادگی رو نداشدم حتی مخالفتم کردم (نبود انگیزه اولیه برای ورود به حوزه) به خاطر روحیاتم قبول نکردم ولی خب جریان داره دیگه بعداً حالا این اختلاف‌ها ادامه پیدا کرد و تصمیم آخر این شد که ما بریم اگه نخوایستیم میام بیرون چون درسمم خوب بود. از نظر شغلی مشکلی نداشتم. از نظر شغلی و دانشگاهی راحت می‌تونستم دانشگاه قبول شم ولی خب خواست خدا بود و واقعاً هم دست خودم نبود که پیام حوزه چون کمال مخالفتم رو کردم. خودم نمی‌خواستم پیام حوزه نه این که خوشم نمی‌یومد از طلبه‌ها ولی خودم روحیش رو نداشتم. خودم یادمه به بار تو یه باغی از خدا خواستم که یعنی من اصلاً (حوزه) قبول نشم حتی امتحانم بد نوشتم من خودم. مصاحبه رو هم عمداً خراب کردم که نرَم کلاً ولی خب چون خواست خدا بود واقعاً من اون‌جا ایمان آوردم که این دست من نیست دیگه هر کاری کردم گفتن قبولی. خیلی نقطه حساسی تو زندگیه منه خیلی جالبه که واقعاً تأثیر گذاشت تو زندگیم. دیدم واقعاً دست خودم نیست. اجباری بود ولی وقتی اومدم

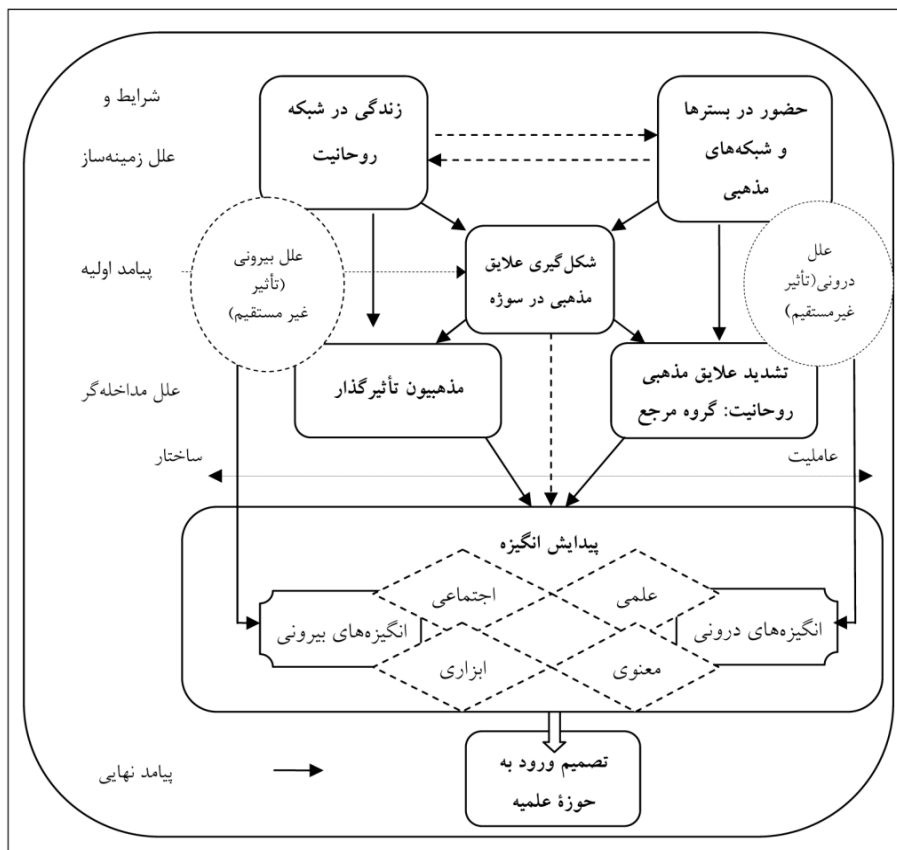
یه ماه موندم دیدم نه دیگه جای من همین جاست (برداشت تقدیرگرایانه از علت ورود به حوزه علمیه؛ عاملیت اندک در طلبه شدن).

با مراجعه به داده‌های زمینه‌ای در مورد عوامل ورود افراد به حوزه تمایز آشکاری میان طلاب با تجربه دانشگاهی و طلاب بدون تجربه دانشگاهی دیده می‌شود. طلاب بدون تجربه دانشگاهی یعنی طلابی که با مدرک سیکل یا دیپلم وارد حوزه می‌شوند غالباً تحت تأثیر مستقیم عوامل بیرونی قرار دارند. بدیهی است که شرایط سنی و تجربه نداشتن کم‌تر به آنان دیدی جامع می‌دهد و شناخت کم‌تری از حوزه علمیه دارند. به طور کلی، عاملیت آنان در طلبه شدن کم‌تر است و عوامل بیرونی یا «دیگران مهم» در ورود آنان به حوزه سهم بسزایی دارند.

علی ۲۹ ساله، که با مدرک سیکل و در سن ۱۳ سالگی وارد حوزه علمیه شده است، می‌گوید:

اون موقع که ما اومدیم حوزه خیلی بچه بودیم اصلاً نمی‌دونستیم انگیزه چیه (نبود انگیزه اولیه). ولی خب بیش‌تر به خاطر تشویق آخوی که روحانی بود، اومدیم ما حوزه (عامل بیرونی؛ تأثیر مستقیم فرد روحانی در خانواده). معمولاً اونایی که از سیکل میان مثلاً انگیزه‌های خاصی ندارن به غیر از یک انگیزه خاص مثلاً معنوی شاید باشه که مثلاً جذبشون می‌کنه یا این‌که مثلاً به مشوق خارجی داشته باشن. وگرنه خودشون نمی‌تونن انگیزه داشته باشن چون هنوز سطح فکری شون به اون حدی نرسیده که انگیزه داشته باشن که مثلاً بخوان برن اسلام رو تبلیغ کنن. مشوق اصلی من اخویم بود که اومدم. ایشان تشویق کردن گفتن بیا جای خوبیه. یعنی به جای این‌که شما برید دبیرستان بیاید حوزه درس بخونید بعداً روحانی بشید و همه این کارایی که مثلاً از طریق دانشگاه می‌خواهید انجام بدید از طریق حوزه هم می‌تونید انجام بدید از لحاظ شغلی هم هیچ مانعی نداره ولی خب پیشرفت تو حوزه خیلی بیش‌تر از دانشگاهه است اگه وارد حوزه بشید (قراردادن یک انگیزه ابزاری / معنوی پیش‌روی فرد). تا الانم که این‌طور بوده دیگه.

اما طلاب دانشگاه‌رفته به دلیل تجربه دانشگاهی و همچنین سن بالا و تجربه درک محیط‌های اجتماعی مختلف، دیدگاه متفاوت‌تری نسبت به حوزه علمیه دارند و غالباً متأثر از عوامل درونی و سیر تحول روحی و شخصیتی وارد حوزه می‌شوند و از عاملیت بیش‌تری در حوزوی شدن برخوردارند. همان‌گونه که در شواهد ارائه شده از سوژه‌های مورد بررسی در بخش انگیزه‌های ورود به حوزه علمیه چنین مسئله‌ای در انگیزه‌های مختلف طلاب دانشگاه‌رفته دیده شد. در نهایت مدلی زمینه‌ای از عوامل و انگیزه‌های ورود طلاب به حوزه علمیه به دست آمده که در صفحه بعد آمده است:



مدل ۱. مدل فرایندی - پارادایمیک عوامل و انگیزه‌های ورود به حوزه علمیه

ماحصل و براین مدل فوق نشان می‌دهد که، با گره‌خوردن عوامل مختلف درونی و بیرونی به یکدیگر، انگیزه‌های درونی و بیرونی برای طلبه‌شدن در آنان شکل می‌گیرد. حقیقت آن است که در واقعیت اجتماعی، هر یک از عوامل تأثیرات متقابلی در یکدیگر دارند و تأثیر یک عامل روی کنش‌گران یک‌جانبه نیست، بلکه منظومه‌ای از عوامل است که هر کدام با میزانی از تأثیرگذاری نوعی از انگیزه‌ها را ایجاد می‌کنند. در این جا شرایط گوناگونی چون میزان سن ورود (کم‌تر یا بیش‌تر) و یا تجربه دانشگاهی در شدت و ضعف عاملیت کنش‌گران تأثیرگذار است. تصمیم‌گیران با تجربه دانشگاهی، که از سن بالاتری در هنگام ورود به حوزه برخوردارند، بیش‌تر ناشی از عامل ارادی و آگاهی فردی است، اما طلاب فاقد تجربه دانشگاهی، که از سن کم‌تری برخوردارند، بیش‌تر از عوامل بیرونی و

ساختاری تأثیرپذیرند و محرک‌های بیرونی در تصمیمات آنان دخالت بیش‌تری دارد. معمولاً ترکیبی از انگیزه‌ها زمینه‌ساز انگیزه طلبگی‌اند. بدین مفهوم که افراد کم‌تر بر اثر یک عامل صرف به حوزه روی می‌آورند، بلکه چند انگیزه هم‌زمان با یکدیگر در فرد شکل می‌گیرد که غالباً به صورت اولویت‌بندی شده آنان را به ورود به حوزه علمی‌علاقه‌مند می‌کند.

۷. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر در پی کشف عوامل و انگیزه‌های ورود افراد به حوزه علمی بودیم. برای رسیدن به چنین هدفی، در این بررسی کیفی به دنبال دستیابی به معانی ذهنی کنش‌گران حوزوی از سیر و فرایند حوزوی شدن آنان طی زمان بودیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و درونی در طلبه‌شدن افراد مؤثرند که در این میان عوامل درونی از خلال بسترها و شبکه‌های اجتماعی معنوی با تشدید علایق مذهبی افراد و وجود شخصیتی روحانی و مذهبی، به‌منزله گروه مرجع ذهنی افراد، نهایتاً آنان را متمایل به حوزه می‌کند. عوامل بیرونی نیز به ارتباط فرد با افراد روحانی (که غالباً به صورت زیست در شبکه روحانیت مانند خانواده روحانی یا آشنایان و نزدیکان روحانی است) یا ارتباط با دیگر افراد مذهبی اشاره دارد که زمینه‌ساز آشنایی فرد با حوزه علمی و مشوق وی برای طلبه‌شدن هستند. عواملی که باعث می‌شود فرد در پروسه‌ای نسبتاً طولانی به این نتیجه برسد که وارد حوزه علمی شود یا این که در زمانی کوتاه‌تر با دخالت مستقیم دیگران علاقه‌مند به حوزه علمی شود، در یک پیوستار عاملیت و ساختار قرار می‌گیرد. بر اثر این عوامل چهار صورت از انگیزه در افراد برای حوزوی شدن پدید می‌آید، که عبارت‌اند از: انگیزه‌های علمی، معنوی، اجتماعی، و ابزاری. چنین صورت‌بندی انتزاعی و نظری از عوامل و انگیزه‌ها در جهان واقعی اجتماعی عمیقاً به یکدیگر گره خورده‌اند و در یکدیگر تأثیرگذارند.

اما آنچه در پی کشف عوامل و انگیزه‌های طلبه‌شدن مهم است، رسیدن به شناختی از جریان بازتولید نیروها و کنش‌گران درون حوزه علمی است که چگونه و از کدام مجاری و کانال‌ها به حوزه علاقه‌مند می‌شوند و با توجه به آنچه در جهان عینی اجتماعی در جریان است و آنچه انتظار دست‌یافتن به آن را دارند در جهان ذهنی طلاب چه تصویری از حوزه علمی می‌گذرد. این مطالعه کیفی و اکتشافی راهی را برای دستیابی به شناختی عمیق‌تر در یک جامعه آماری وسیع‌تر با پیشنهاد یک مدل نظری و فرضیاتی، که از آن استخراج می‌شود، فراهم می‌کند. پیگیری چنین سیاستی و کسب شناخت بیش‌تر از حوزه علمی در

برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان در طریقه و تقویت جذب و علاقه‌مندی و پاسخ‌گویی به انگیزه‌های ذهنی کنش‌گران یاری‌رسان خواهد بود و جریان حوزوی شدن را به گونه شفاف‌تری نمایان خواهد کرد. پیگیری این رویه تعاملات اجتماعی میان حوزه علمیه، به‌منزله یک نهاد مهم دینی، با جامعه امروزی و کشف تأثیرات این دو بر یکدیگر را تسهیل می‌کند و شناخت عمیق‌تری از آن را برای ما به ارمغان خواهد آورد.

پی‌نوشت

۱. منظور از دوره مقدمات شش پایه اول تحصیلی یا سطح یک حوزه علمیه است. به دوره مقدمات سطح یک حوزه نیز گفته می‌شود. تقسیم‌بندی دیگری نیز وجود دارد که سه سال اول طلبگی را، که در آن ادبیات عرب خوانده می‌شود، دوره مقدمات و سه سال بعد (پایه ۴ تا ۶) را «سطح یک» می‌گویند، اما در این‌جا از این تقسیم‌بندی کلی «دوره مقدمات» (شش پایه اول) و «دوره سطح» (پایه هفت به بالا تا اتمام سطوح) استفاده شد.
۲. به علت این‌که برخی از طلاب دیپلم به بالا دوره سربازی خود را نیز گذرانده‌اند یا این‌که در بین مقاطع تحصیلی آن‌ها یا فرایند ورود آن‌ها به حوزه وقفه ایجاد شده است، در حدود یک سال بر میانگین سن ورود آن‌ها به حوزه علمیه افزوده شده است.
۳. نمونه‌های انتخابی برای مصاحبه از سه مدرسه حوزه علمیه در قم انتخاب شدند که هر کدام ویژگی‌های متفاوتی داشتند. مدرسه امام رضا (ع) که طلاب با مدرک تحصیلی ورودی سیکل یا دیپلم در آن مشغول به تحصیل‌اند (طلاب دانشگاه‌نرفته و مشغول تحصیل در دوره مقدمات)، مدرسه معصومیه که غالباً از طلاب با مدرک دانشگاهی در آن پذیرش می‌شوند (طلابی که از دانشگاه به حوزه علمیه وارد می‌شوند و در دوره مقدمات مشغول تحصیل‌اند)، و مدرسه فیضیه که طلاب هنگام ورود به حوزه علمیه بدون تحصیلات دانشگاهی بودند و در حال حاضر در دوره سطح مشغول به تحصیل‌اند. آنچه در این‌جا مهم است این است که تنوع در متغیرهایی چون مقطع تحصیلی ورود به حوزه علمیه و تحصیلات حوزوی فعلی لحاظ شده است و اگر برخی از خانه‌های جدول فوق خالی است، اهمیتی در تحلیل نتایج ندارند.
۴. در این نوع کنش، هم هدف و هم وسایل آن معقولانه انتخاب می‌شود (کوزر، ۱۳۸۵: ۳۰۰). عقلانی بودن نسبت به هدف بیش‌تر به تبع شناخت‌های فاعل کنش تعریف شده است تا به تبع شناخت‌های ناظر کنش (آرون، ۱۳۸۷).
۵. هدفی که به خودی خود معقول نیست (مانند دستیابی به رستگاری)، اما می‌تواند با وسایل معقولی پیگیری شود (کوزر، ۱۳۸۵: ۳۰۰).

۶. رفتار احساسی در حالت عاطفی کنش گر به چشم می خورد و نه در سبک و سنگین کردن معقولانه وسایل و هدفها (کوزر، ۱۳۸۵: ۳۰۰).
۷. کنشی است که از عادت‌ها و عرف‌ها یا باورهای برمی خیزد که طبیعت ثانوی فاعل را تشکیل می دهند. فاعل کنش برای عمل سستی خویش نیازی به تصور یک هدف یا درک یک ارزش یا احساس یک عاطفه ندارد، که فقط به انگیزه بازتاب‌هایی که بر اثر ممارست‌های طولانی در او ریشه دوانیده است عمل می کند (آرون، ۱۳۸۷).
۸. شایان ذکر است که در چند سال اخیر سیر ورود افراد دانشگاهی به حوزه علمیه شدت گرفته است به گونه‌ای که برخی از بزرگ‌ترین مدارس حوزه علمیه در قم به این دسته از طلاب اختصاص داده شده است.

منابع

- آرون، ر. (۱۳۸۷). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی. ابوالحسنی، ع. (۱۳۸۰). *کارنامه شیخ فضل‌الله نوری*، ج ۱، تهران: عبرت.
- استراوس، ا. و ج. کریبن (۱۳۹۰). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، تهران: نشر نی.
- اسلامی‌تنها، ا. (۱۳۸۹). «بررسی جامعه‌شناختی نگرش دانش‌آموخته‌گان حوزوی به لباس روحانیت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
- ذاکری، ر. (۱۳۸۸). «بررسی و اولویت‌بندی عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت طلاب حوزه علمیه قم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ربانی خوراسگانی، ع. (۱۳۸۱). «نقش مورد انتظار از روحانیت جامعه ایران»، (بررسی موردی در دو حوزه علمیه قم و مشهد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۸۰). *توسعه و تضاد؛ کوششی در جهت تحلیل علل پیدایش انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سلیمانی، م. (۱۳۹۰). «بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیه قم (طلاب دوره سطح)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- فلیک، اووه (۱۳۸۸). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کوزر، ل. (۱۳۸۵). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- مطهری، م. (۱۳۳۸). *ده گفتار*، تهران: صدرا.

۷۴ عوامل و انگیزه‌های جامعه‌شناختی ورود طلاب به حوزه علمیه

موسوی خمینی، ر. (۱۳۷۴). *روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

وبر، م. (۱۳۸۴). *اقتصاد و جامعه*، ترجمه ع. منوچهری، م. ترابی‌نژاد و م. عمادزاده، تهران: سمت.

Atkinson, P. et al. (2007). *Handbook of Ethnography*, London: Sage Publications.

Creswell, J. (2003). *Research Design: Quantitative, Qualitative, and Mixed Methods*, London: Sage Publications.

Depoy, E., and L. Gitlin (2005). *Introduction to Research: Understanding and Applying Multiple Strategies*, St. Louis: Mosby Press.

Erlanson, David (1993). *Doing Naturalistic Inquiry*, London: Sage Publications.

Hammersley, Martin (1997). *Ethnography: Principles in Practice*, New York: Routledge Press.

Neuman, Lawerenc (2006). *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, London: Allyn and Bacon.

Punch, K. (2005). *Introduction to Social Research: Quantitative and Qualitative Approaches*, London: Sage Publications.

Strauss, Glaser (1998). *Anselm and Barney*, Basics of Qualitative Research, London: Sage Publications.

Wolcott, H. (2008). *Writing up Qualitative Research*, London: Sage Publication.